

خواجه نصیر الدین طوسی

رحلت خواجه نصیر الدین طوسی در سال 672 هجری قمری ...



رحلت خواجه نصیر الدین طوسی در سال 672 هجری قمری

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت:

خواجه نصیر الدین طوسی، روز شنبه یازدهم جمادی الاول سال 597 هجری قمری در شهر طوس خراسان چشم به جهان گشود نام او محمد، کنیه اش (ابو جعفر) لقبش (نصیر الدین) (محقق طوسی) (استاد البشر) و شهرتش (خواجه) است.

تحصیلات:

خواجه نصیر الدین ایام کودکی و جوانی خود را در طوس گذراند، و دروس مقدماتی از قبیل خواندن و نوشتن، قرائت قرآن، قواعد زبان عربی و فارسی، معانی و بیان و مقداری از علوم منقول از قبیل حدیث و ... را نزد پدر روحانی خود (محمد بن حسن طوسی) فراگرفت در این ایام خواجه نصیر از مادرش در یادگیری خواندن قرآن و متون فارسی استفاده می کرد. خواجه بعد از طی دوره سطح عالی در نیشابور و برای ادامه تحصیل به شهر ری و از آنجا به قم و بعد از مدتی راهی اصفهان شد، لیکن در اصفهان استادی که بتواند از او استفاده نماید، نیافت بعد از اندک مدتی به عراق مهاجرت نمود در عراق علم فقه را فراگرفته و در سال 619 هـ ق، موفق به اخذ درجه اجتهاد و اجازه روایت از معین الدین گشت خواجه در عراق در درس اصول فقه علامه حلی حاضر گشت، وی نیز متقابلاً در درس حکمت خواجه شرکت می نمود این سنت حسنه تاکنون در حوزه ها باقی است و استاد و شاگرد به فراخور معلومات علمی یکدیگر از هم استفاده می کنند و نهایت تواضع و فروتنی را برای کسب علم از خود نشان می دهند.

خواجه سپس در موصل نجوم و ریاضی را می آموزد به این ترتیب خواجه نصیر دوران تحصیل خود را پشت سر می گذارد و بعد از مدتها دوری از وطن و خانواده قصد عزیمت به خراسان می کند.

اساتید:

خواجه نصیر الدین از محضر اساتیدی که از محضرشان بهره مند گردیده است عبارتند از:

- 1- از محضر دایی بزرگوارش (نور الدین علی بن محمد شیعی) .
- 2- از محضر ریاضی دان معروف آن زمان (محمد حاسب) کسب فیض نموده است.
- 3- آخرین استادی که خواجه در طوس پیش او تلمذ نمود (عبدالله بن حمزه) دایی پدرش بوده است.
- 4- درس خارج فقه و حدیث و رجال را در محضر امام سراج الدین کسب علم نمود.
- 5- فرید الدین داماد نیشابوری دانشمند بزرگ آن عصر بود که خواجه در حضور این استاد اشارات ابن سینا را آموخت.
- 6- کتاب قانون ابن سینا را از قطب الدین فرا گرفته و در نهایت از محضر عارف نامور شیخ عطار نیشابوری بهره مند گردید.
- 7- ابو السادات اسعد بن عبد القادر.
- 8- خواجه نصیر علم فقه را از محضر (معین الدین سالم) فرا گرفته است.
- 9- در موصل از محضر (کمال الدین موصلی) نجوم و ریاضی را آموخت.

شاگردان:

شاگردان بسیاری از محضر خواجه کسب علم نموده اند که معروف ترین آنان را می توان : علامه حلی و ابن فوطی یکی از شاگردان حنبلی مذهب را نام برد.

تألیفات :

آثار علمی و قلمی فراوانی از خواجه به یادگار مانده که به برخی از آنها اشاره می گردد.
1 - تجرید العقاید

2 - شرح اشارت بو علی سینا

3 - قواعد العقاید

4 - اخلاق ناصری

5 - آغاز و انجام

6 - تحریر مجسطی

7 - تحریر اقلیدس

8 - تجرید المنطق

9 - اساس الاقتباس

10 - ذیح ایلخانی

11 - آداب البحث

12 - آداب المتعلمین

13 - روضه القلوب

14 - اثبات بقاء نفس

15 - تجرید الهندسه

16 - اثبات جوهر

17 - جامع الحساب

18 - اثبات عقل

19 - جام گیتی نما

20 - اثبات واجب الوجود

21 - الجبر و الاختیار

22 - استخراج تقویم

23 - خلافت نامه

24 - اختیارات نجوم

25 - رساله در کلیات طب

26 - ایام و لیالی

27 - علم المثلث

28 - الاعتقادات

29 - شرح اصول کافی

گفتار بزرگان :

1 - علامه حلی از شاگردان برجسته خواجه که از بزرگترین علمای مذهب تشیع است در باره خصوصیات اخلاقی استادش می گوید: خواجه بزرگوار در علوم عقلی و نقلی تصنیفات بسیار دارد و در علوم اسلامی بر طریقه مذهب شیعه کتابها نوشت او شریف ترین دانشمندی بود که من در عمرم دیدم.

2 - (ابن فوطی) یکی از شاگردان حنبلی مذهب خواجه نصیر در خصوص اخلاق استادش می نویسد : خواجه مردی فاضل و کریم الاخلاق و نیکو سیرت و فروتن بود و هیچگاه از درخواست کسی دل تنگ نمی شد و حاجتمندی را رد نمی کرد و برخورد او با همه با خوش رویی بود.

3 - (ابن شاکر) یکی دیگر از مورخان اهل بیت است که اخلاق خواجه را چنین توصیف می کند: خواجه بسیار نیکو صورت، خوش رو، کریم، سخی، بردبار، خوش معاشرت، زیرک و با فراست بود و یکی از سیاستمداران روزگار به شمار می رفت.

4 - (جرجی زیدان) درباره خواجه چنین می نویسد : علم و حکمت به دست این ایرانی در دورترین نقطه های بلاد مغول رفت تو گویی نور تابان بود در تیره شامی .

5 - برو کلمن آلمانی در کتاب تاریخ ادبیات راجع به قرن هفتم می نویسد : مشهورترین علما و مؤلفین این عصر مطلقا و بدون شك نصیر الدین طوسی است.

6 - در کتاب تحفه الاحباب محدث قمی، صاحب مفاتیح الجنان، در مورد خواجه نصیر می نویسد : نصیر المله و الدین، سلطان الحکماء و المتکلمین، فخر الشیعه و حجة الفرقه الناجیه استاد البشر و العقل الحادی عشر.

خصوصیات اخلاقی :

خواجه را نمی توان يك دانشمند محصور در قلم و کتاب به شمار آورد او هرگز زندگی خویش را در مفاهیم و واژه ها خلاصه نکرد آنجا که پای اخلاق و انسانیت به میان می آمد، او ارزشهای الهی و اسلامی را بر همه چیز ترجیح می داد خواجه از زندان نفس و خود خواهی رها گشته بود زندانی که با علم و دانش نتوان از آن بیرون آمد بلکه رهایی از آن ایمان به خداوند متعال و تقوا و عمل صالح لازم دارد با وجود اینکه بیش از هفت قرن از عصر خواجه می گذرد ولی هنوز سخن او، رفتار او و دانش او، زینت بخش مجالس و محافل اهل علم و دانش می باشد.

فعالیت :

چندی از فتح بغداد نگذشته بود، که هلاکو خواجه را به ساختن رصد خانه تشویق کرد هلاکو کلیه موقوفات را به خواجه واگذار

کرد تا 110 آنها را به مصرف رصد خانه برساند.

خواجه به امر هلاکو، مشاهیر، حکما و منجمان را به مراغه احضار کرد رصد خانه مراغه در سال 656 هجری قمری، آغاز و در سال 672 هجری قمری، به اتمام رسید در این رصد خانه از ابزار نجومی که از قلعه الموت و بغداد آورده بودند استفاده گردید خواجه توانست کتابخانه عظیمی در آنجا تأسیس کند تعداد کتب آن را بالغ بر چهار صد هزار جلد نوشته اند.

دوران بازگشت به وطن:

خواجه در بین راه بازگشت به وطن از شهرهای مختلف عبور کرد و به نیشابور رسید، نیشابور در آن زمان چند بار مورد هجوم قرار گرفته بود و شهر در دست مغولان بود.

خواجه بعد از نیشابور به طرف طوس زادگاه خویش ادامه مسیر داد و از آنجا خود را به قاین رساند تا بعد از سالها به دیدار مادر و خواهرش موفق شود مدتی در قاین اقامت کرده و به تقاضای اهل شهر امام جماعت مسجد شهر را قبول و به مسائل دینی مردم رسیدگی کرد و اطلاعاتی نیز درباره قوم مغول به دست آورد.

خواجه در سال 628 هـ. ق، در شهر قاین با دختر فخر الدین نقاش پیمان زناشویی بست و به این ترتیب دوره ای دیگر از زندگی پر فراز و نشیب خواجه آغاز گردید. بعد از چند ماه سکونت در شهر قاین از طرف محتشم قهستان به نام ناصر الدین که مردی فاضل و کریم و دوست دار فلاسفه بود دعوت به قلعه شد او به اتفاق همسرش به قلعه اسماعیلیان رهسپار گردید. قلعه های اسماعیلیه بهترین و محکم ترین مکان در برابر حمله مغولها بود.

در این مدت که خواجه نصیر در قلعه قهستان بود بسیار مورد احترام و تکریم قرار می گرفت و آزادانه به شهر قاین رفت و آمد داشته و به امور مردم رسیدگی می نمود در همین زمان بود که به درخواست میزبان کتاب (طهاره الاعراق) ابن مسکویه را از عربی به فارسی ترجمه کرد و نام آن را اخلاق ناصری (به نام میزبان خود) نهاد.

خواجه نصیر حدود 26 سال در قلعه های اسماعیلیه به سر برد و در این مدت دست به تألیف و تحریر کتابهای متعددی زد از جمله شرح اشارات ابن سینا، اخلاق ناصری، رساله معینی، مطلوب المومنین، روضه القلوب، رساله تولی و تبری و ... خواجه در این دوره از زندگانی پر ماجرای خویش از کتابخانه های غنی اسماعیلیان بهره ها برد و به علت نبوغ فکری و دانش و آرایش معروف و سرشناس گشت.

مغول بیشتر ممالک اسلامی را به اطاعت خود در آورده بود ولی اسماعیلیه و بنی عباس هنوز در قدرت بودند در حالی که سران مغول در فکر یورش به بغداد، مقر بنی عباس، بودند اسماعیلیه ظلم و ستم را از حد گذرانده و فساد آنقدر شدت پیدا کرده بود که کسی طاقت نداشت تا جایی که قاضی شمس الدین قزوینی که عالم و مورد اعتماد مردم قزوین بود از ستم فزون از حد اسماعیلیه به (قا آن) نوه چنگیز خان شکایت برده و طلب کمک نمود تا اینکه (قا آن) برادر کوچک خود هلاکو خان را مأمور سر کوبی قلعه های اسماعیلیه کرد. هلاکو خان در سال 651 هـ. ق، با 12000 نفر روانه قهستان شد نماینده ای پیش (ناصر الدین) گسیل داشته و او را به قبول اطاعت از خود فرمان داد ناصر الدین که در این زمان پیر و ناتوان شده بود به نزد هلاکو رفت و تسلیم گردید هلاکو هم او را محترم شمرد و به حکومت شهر تون (فردوس کنونی) فرستاد با تسلیم شدن ناصر الدین عملا شکستی در جبهه اسماعیلیه رخ داد و مغولان قلعه ها را یکی پس از دیگری تسخیر کردند.

خواجه نصیر با اطلاع از این جریان دانست که هلاکو مرد خونریزی نیست چون که ناصر الدین را دولت دیگر بخشیده سپس هلاکو دو نماینده نزد (خورشاه) فرستاد و او را به تسلیم شدن خواند، خورشاه با مشورت و صلاح دید خواجه حاضر به قبول اطاعت شد خواجه مذاکراتی با هلاکو داشت و ضمن آن گفت پادشاه نباید از قلعه ها نگران باشد چونکه دلایل نجومی چنان نشان می دهد که دولت اسماعیلیه در حال سقوط است پیش بینی خواجه درست بود روز شنبه اول ذیقعده سال 654 هـ. ق، با تسلیم شدن خورشاه نقطه پایان بر حکومت اسماعیلیان در ایران گذاشته شد و از آن پس جز نامی از اسماعیلیان در تاریخ باقی نماند خان مغول خواجه را که در جلوگیری از خونریزی و تسلیم شدن خورشاه نقش بسزایی داشت با احترام پذیرفت و از او تجلیل فراوانی نمود.

وفات :

هیجدهم ماه ذیحجه سال 672 هـ. ق، آسمان بغداد رنگ دیگری داشت گویی اتفاقی در شرف وقوع است که آرامش را از این شهر بگیرد و مردم را در عزا بنشانند.

با رحلت خواجه بغداد یکپارچه غرق ماتم شد و اشکها چون سیلاب از گونه ها جاری گردید، با ارتحال خواجه جهان تشیع بزرگترین حامی خویش را در دستگاه حکومت از دست داد خواجه با احترام خاصی به سوی آستان مقدس امام کاظم (علیه السلام) تشییع و در جوار آن امام همام به خاک سپرده شد.